



## A Comparative Study on the Actus Reus of Armed Forces Self-Harm Crimes in Iran and the United States

Latif Maheri Kohan<sup>1</sup>, Samira Golkhandan<sup>\*2</sup>, Akbar Rajabi<sup>3</sup>

1. Ph.D Student, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Humanity, Khomein Branch, Islamic Azad University, Khomein, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Humanity, Khomein Branch, Islamic Azad University, Khomein, Iran. (Corresponding Author)

3. Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Humanity, Khomein Branch, Islamic Azad University, Khomein, Iran.

### ARTICLE INFORMATION

#### Type of Article:

**Original Research**

**Pages: 1-13**

#### Corresponding Author's Info

**ORCID:** 0000-0002-3926-7971

**TELL:** +988646337801

**Email:** s.golkhandan@gmail.com

#### Article history:

**Received:** 04 Oct 2022

**Revised:** 24 Jan 2023

**Accepted:** 27 Jan 2023

**Published online:** 20 Feb 2023

#### Keywords:

Self-Mutilation,  
Armed Forces,  
Malingering, Actus Reus.

### ABSTRACT

Self-harm exists among armed forces due to the presence of these forces in specific and difficult situations. In some legal systems, armed forces' self-harm has been criminalized. Iran and the United States are among those countries. The greatest similarity between these two legal systems is in the Actus Reus of self-mutilation crimes, and in both legal systems, any degree of malingering and any degree of self-harm, as well as any model of self-mutilation by any means or any method has been considered sufficient commission of the crime. Self-harm by the armed forces in the form of omission such as not eating with the intention of harming oneself is considered a crime. The important difference in the two countries law is that in Iran, "physical and mental disability" and "expressing recurrent disinterest" is recognized as the actus reus of the crimes. While in the United States, these weak degrees of self-harm are not considered as a crime, and as a result, the scope of crimes of the armed forces in Iran is wider than in the United States and includes more actions.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2023 The Authors.

**How to Cite This Article:** Maheri Kohan, L; Golkhandan, S & Rajabi, A (2023). "A Comparative Study on the Actus Reus of Armed Forces Self-Harm Crimes in Iran and the United States". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 2(5): 1-13.



انجمن علمی فقه‌های تطبیقی ایران

# فصلنامه فقه‌های تطبیقی

www.jccj.ir



فصلنامه فقه‌های تطبیقی

دوره دوم، شماره پنجم، اسفند ۱۴۰۱

## بررسی تطبیقی عنصر مادی جرایم خودزنی نیروهای مسلح در ایران و ایالات متحده آمریکا

لطیف ماهری کهن<sup>۱</sup>، سمیرا گلخندان<sup>۲\*</sup>، اکبر رجبی<sup>۳</sup>

۱. دانشجوی دکتری، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، واحد خمین، دانشگاه آزاد اسلامی، خمین، ایران.

۲. استادیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، واحد خمین، دانشگاه آزاد اسلامی، خمین، ایران. (نویسنده مسؤول)

۳. استادیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، واحد خمین، دانشگاه آزاد اسلامی، خمین، ایران.

### چکیده

خودزنی در بین نیروهای مسلح به دلیل قرار گرفتن این نیروها در وضعیت‌های خاص و دشوار وجود دارد. در برخی از نظام‌های حقوقی خودزنی نیروهای مسلح جرم‌انگاری شده است. ایران و ایالات متحده آمریکا از جمله این کشورها هستند. بیشترین شباهت بین دو نظام حقوقی در جرم‌انگاری خودزنی نیروهای مسلح در عنصر مادی جرایم خودزنی مشاهده می‌شود و در هر دو نظام حقوقی هر درجه از تمارض و هر درجه از خودزنی و همچنین هر مدل از تمارض و هر مدل از خودزنی که با هر وسیله و یا هر شیوه‌ای باشد، برای تحقق جرم کافی دانسته شده است. خودزنی نیروهای مسلح در قالب ترک فعل از قبیل غذا نخوردن به قصد آسیب رساندن به خود، جرم تلقی می‌شود. تفاوت مهم در عنصر مادی جرایم خودزنی نیروهای مسلح در دو کشور این است که در ایران «متعذر شدن به ناتوانی جسمی و روحی» و «اظهار بی‌علاقگی مکرر» به عنوان عنصر مادی جرایم خودزنی نیروهای مسلح شناخته می‌شود، در حالی که در آمریکا این درجات ضعیف از آسیب به خود، به عنوان خودزنی محسوب نمی‌شود و در نتیجه قلمرو عنصر مادی جرایم خودزنی نیروهای مسلح در ایران وسیع‌تر از ایالات متحده آمریکا است و اعمال بیشتری را شامل می‌شود.

### اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۳-۱

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد آرکید: ۷۹۷۱-۳۹۲۶-۰۰۰۲-۰۰۰۰-۰۰۰۰

تلفن: +۹۸۸۶۴۶۳۳۷۸۰۱

ایمیل: s.golkhandan@gmail.com

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۱۲

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۱/۱۱/۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۰۷

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱۲/۰۱

واژگان کلیدی:

خودزنی، نیروهای مسلح، تمارض، عنصر مادی.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی حاضر به صورت غیرتجاری را دارند.



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

## مقدمه

سهوی وجود دارد که در بعضی موارد، فرد نظامی مقررات را رعایت نمی‌کند.

در خودزنی منجر به فوت، چون مرتکبی وجود ندارد که مجازات شود، بنابراین جرم محسوب نمی‌شود، اگرچه طبق شریعت اسلامی، خودکشی از گناهان کبیره است و در آخرت نیز مجازات اُخروی به همراه دارد. در این نوع از خودزنی، هدف فرد نابود کردن خویش است. خودزنی یا جرح خویشتن یا خود ویرانگری به عنوان صدمه عمدی یا تغییر بافت بدن بدون قصد خودکشی تعریف شده است (Doksat et al, 2017:604). این اقدام، حاصل ناتوانی فرد در مداوای تکانه‌های پرخاشگری ناشی از میل ناخودآگاه برای تنبیه خود یا دیگری صورت می‌گیرد که درون‌فکنی شده است. خودزنی، که به نام‌های متفاوت دیگری از جمله رفتار انتحاری، اقدام به خشونت علیه خود یا پرخاشگری علیه خود نیز بر آن نهاده شده است، به گروه، طبقه و یا قشر خاصی از جامعه مربوط نمی‌شود؛ با این حال این آسیب عمدتاً در میان افرادی که درگیر محیط‌های پر اضطراب و تنش می‌شوند از جمله کارکنان وظیفه به مراتب می‌تواند بیشتر از دیگران باشد (Klonsky, 2007:99). ارتکاب خودزنی یا بروز رفتار جرح به خویشتن با یک یا تعداد بیشتری از این انتظارات همراه است: تسکین یافتن از احساسات منفی، حل کردن مشکل میان فردی ایجاد کردن حالت احساس مثبت (Shaffer & Jacobson, 2009:20). در تعریفی دیگر خودزنی، عملی غیر مرسوم با نتیجه‌ای غیر مرگبار است که فرد با این عمل، انتظار تحمیل آسیب بدنی را دارد و با هدف وقوع اجباری تغییرات مطلوب خود به آن مبادرت می‌ورزد (Gregg et al, 2018:972).

برخی از اصطلاحاتی که تاکنون برای ارجاع به خودزنی به کار رفته‌اند عبارتند از: شبه خودکشی،<sup>۱</sup> خودجرحی،<sup>۲</sup> خود جرحی بدون خودکشی،<sup>۳</sup> خود آسیب‌رسانی عمدی،<sup>۴</sup> نشانگان

امروزه یکی از معضلاتی که جوامع بشری، به خصوص جامعه پزشکی و نظامی با آن مواجه است، خودزنی می‌باشد. خودکشی و خودزنی در کلیه اقشار جامعه وجود دارد. قشر نظامیان نیز از این امر استثنا نیستند (نوری و همکاران، ۱۳۸۴:۱۰۲). از نظر دورکیم، آمار خودکشی و خودزنی در نظامیان به علت ویژگی‌های شغلیشان، بیش از سایر اقشار است (Bovin et al, 2016:1379). شکل خودکشی و خودزنی در نظامیان مانند سایر اقشار، دو جنبه مهم دارد: جنبه اول آن خودکشی و خودزنی خودخواهانه است که به علت گسستن پیوندهای فرد با گروه خود، دست به خودکشی می‌زند و جنبه دوم آن خودکشی و خودزنی دگرخواهانه است که به علت تعلق خاطر شدید فرد به گروه اتفاق می‌افتد (Bryan & Bryan, 2014:874)، مانند سربازی که به خاطر دیگران جان خود را فدا می‌کند. شکل دیگری از خودکشی در نیروهای مسلح وجود دارد که اصطلاحاً به آن خودزنی گفته می‌شود. در این شکل از خودزنی فرد به انگیزه نابود کردن خود، دست به خودکشی نمی‌زند بلکه با هدف دیگری مانند تهدید فرمانده یا مافوق، فرار از منطقه عملیاتی یا سایر موارد به خود آسیب وارد می‌کند. این نوع خودزنی، در نظام حقوقی ایران و ایالات متحده آمریکا، جرم محسوب می‌شود و طبق قانون در هر دو کشور مجازات دارد. البته گاهی خودزنی منجر به جرح، به علت شدت جراحات منتهی به فوت می‌شود (Cunningham et al, 2021:287) و در نتیجه عمل از عنوان خودزنی به خودکشی تغییر می‌یابد و در هیچ یک از دو کشور دیگر جرم محسوب نمی‌شود. در مجموع می‌توان خودزنی در نیروهای مسلح را به دو دسته اصلی تقسیم کرد: «خودزنی منجر به جرح» و «خودزنی منجر به فوت». کسی که عمداً به خود صدمه وارد کند ولی منتهی به فوت نشود، مرتکب خودزنی منجر به جرح شده است. منظور قانونگذار از کاربرد کلمه خودزنی در قانون جرایم و مجازات‌های نیروهای مسلح نیز همین است (بهرامی، ۱۴۰۰:۴۷۰). نوع دیگر خودزنی در قالب غیرعمد و

<sup>۱</sup> - Parasuicide

<sup>۲</sup> - Self-Injury

<sup>۳</sup> - Non Suicidal Self-Injury

<sup>۴</sup> - Deliberate Self-Harm(Dsh)

رگ‌زنی،<sup>۱</sup> خود زنی ظریف،<sup>۲</sup> خشونت بر خود،<sup>۳</sup> خودآزارگری،<sup>۴</sup> خود معیوب‌سازی،<sup>۵</sup> خودتخریبی،<sup>۶</sup> اختلال خود شکست‌دهی،<sup>۷</sup> خود آسیب‌رسانی مستقیم و خود آسیب‌رسانی غیر مستقیم (Klonsky, 2007: 99).

خودجرحی، خودجرحی بدون خودکشی و خود آسیب‌رسانی عمدی سه اصطلاحی هستند که بیش از سایر اصطلاحات استفاده شده‌اند. درحالی‌که در برخی تعاریف رفتارهای خودجرحی به‌صورت کلی و عمومی‌تر دو رفتار اقدام خودکشی و خودجرحی بدون خودکشی را شامل می‌شود (Nock, 2009: 41). اما در طبقه‌بندی‌های دیگر، خودجرحی تنها شامل خودجرحی بدون خودکشی است. در تعریف خودجرحی، عوامل فرهنگی و اجتماعی نیز در نظر گرفته شده است؛ زیرا در برخی از فرهنگ‌ها برخی از انواع خود جرحی مثل قمه زدن یا سوراخ کردن بدن یا رنج زدن به خود، جزو ویژگی‌های مطلوب فرهنگی و قابل قبول از لحاظ اجتماعی در نظر گرفته می‌شود.

وجه مشترک حقوق جزای نظامی ایران و آمریکا در این است که خودزنی نیروهای مسلح را با شرایطی جرم‌انگاری کرده‌اند. در ایران ماده ۵۱ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ به‌عنوان عنصر قانونی جرایم خودزنی نیروهای مسلح شناخته می‌شود (مالمیر، ۱۳۹۱: ۶۹). این ماده برخلاف قوانین ماقبل خود ضمن نام بردن از کلمه «خودزنی» به‌طور مشروح نسبت به جرم‌انگاری «خودزنی نیروهای مسلح» اقدام نموده است. در آمریکا و در وضعیت حاضر براساس «قانون متحدالشکل عدالت نظامی مصوب ۲۰۱۶»،<sup>۸</sup> «کتاب راهنمای دادگاه‌های نظامی ایالات متحده آمریکا ۲۰۱۹»<sup>۹</sup> و «آرای

صادره از محاکم نظامی و به خصوص محاکم نظامی عالی» که قلمرو قوانین مصوب را تعیین می‌کنند، مواد ۸۳، ۱۳۴ و ۸۰ قانون متحدالشکل عدالت نظامی مصوب ۲۰۱۶ به‌عنوان عنصر قانونی جرایم خودزنی شناخته می‌شوند. این تحقیق درصدد بررسی تطبیقی رکن مادی جرایم خودزنی نیروهای مسلح در ایران و آمریکا است که به روش توصیفی و تحلیلی و مقایسه‌ای به آن می‌پردازد. در این بین سؤالات متعددی مطرح می‌شود؛ از جمله اینکه چه رفتارهایی عنصرمادی جرم خودزنی نیروهای مسلح را در دو کشور تشکیل می‌دهد؟ برای تحقق خودزنی چه میزانی از صدمه و آسیب لازم است؟ آیا ارتکاب رکن مادی خودزنی از طریق ترک فعل نیز ممکن است؟ آیا آسیب‌های روحی و روانی نیز خودزنی تلقی می‌شوند؟ بدین منظور و برای پاسخ به این سؤالات، مقاله از دو قسمت تشکیل شده است، در قسمت اول به بررسی رکن مادی جرایم خودزنی نیروهای مسلح در ایران پرداخته و در قسمت دوم به بررسی رکن مادی جرایم خودزنی نیروهای مسلح در آمریکا می‌پردازد و در نتیجه گیری به مقایسه رکن مادی جرایم خودزنی نیروهای مسلح در دو کشور می‌پردازد.

### ۱- خودزنی نیروهای مسلح در ایران

مستند قانونی خودزنی نیروهای مسلح در حقوق کیفری ایران، ماده ۵۱ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ است. طبق این ماده: «هر نظامی که برای فرار از کار یا انجام وظیفه و یا ارباب و تهدید فرمانده یا رئیس و یا هر مافوق دیگر یا برای تحصیل معافیت از خدمت و یا انتقال به مناطق مناسب‌تر و یا کسب امتیازات دیگر عمداً به خود صدمه وارد آورد یا تهدید به خودزنی نماید یا به عدم توانائی جسمی یا روحی متعذر شود و بنا به گواهی پزشک نظامی یا پزشکان قانونی تمارض او ثابت گردد و یا در انجام وظایف نظامی بی‌علاقگی خود را در موارد متعدد ظاهر کند به نحوی که در تضعیف سایر نیروهای نظامی مؤثر باشد، علاوه بر جبران خسارت وارده به ترتیب زیر محکوم می‌گردد...»

از سوی دیگر، تحقق جرم موکول به بروز عوارض بیرونی اراده ارتکاب جرم است. تا وقتی مظهر خارجی اراده به صورت‌هایی مانند فعل یا ترک فعل تحقق نیافته، جرم واقع نمی‌شود. بنابراین صرف داشتن عقیده، اندیشه و قصد ارتکاب جرم بدون انجام هیچ‌گونه عمل مادی قابل تعقیب نمی‌باشد

<sup>1</sup> - Wrist-Cutting Syndrome

<sup>2</sup> - Delicate Self- Cutting

<sup>3</sup> - Self-Inflicted Violence

<sup>4</sup> - Self-Inflicted Violence

<sup>5</sup> - Self-Abuse

<sup>6</sup> - Self-Mutilation

<sup>7</sup> - Self-Defeating Disorder

<sup>8</sup> - Uniform Code of Military Justice (UCMJ) made by Military Justice Act of 2016

<sup>9</sup> - Joint Service Committee On Military Justice, (2019), The Manual for Courts-Martial (MCM), United States, Joint Service Committee on Military Justice.

که از جهت مرتکب این جرم، مشخص و معلوم است؛ این است که تمامی کارکنان ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران و سازمان‌های وابسته، تمامی کارکنان ارتش جمهوری اسلامی ایران و سازمان‌های وابسته، تمامی کارکنان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران و سازمان‌های وابسته و اعضای بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، تمامی کارکنان وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و سازمان‌های وابسته، تمامی کارکنان مشمول قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، تمامی کارکنان وظیفه از تاریخ شروع خدمت تا پایان آن، تمامی محصلان موضوع قوانین استخدامی نیروهای مسلح، مراکز آموزش نظامی و انتظامی در داخل و خارج از کشور و نیز مراکز آموزش وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و تمامی کسانی که به‌طور موقت در خدمت نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران هستند و طبق قوانین استخدامی نیروهای مسلح در مدت مزبور از اعضاء نیروهای مسلح محسوب می‌شوند، می‌توانند مرتکب جرم خودزنی شوند (باری، ۱۳۹۸: ۳۶).

نوع استخدام شخص نظامی در ارتکاب جرم خودزنی هیچ تأثیری ندارد. فقط کافی است تا عنوان «کارکنان» بر شخص نظامی صدق نماید. استخدام شخص نظامی ممکن است رسمی باشد یا پیمانی و ممکن است قراردادی باشد و یا اینکه از هر نوع رابطه استخدامی دیگری در این مورد استفاده شده باشد. در برخی از موارد نیروهای نظامی از خدمات برخی از اشخاص در قالب خرید خدمات استفاده می‌نمایند، حال اگر یکی از این اشخاص در جهت اهداف مقرر در ماده ۵۱ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح ۱۳۸۲ مبادرت به خودزنی نماید، به‌عنوان مرتکب این جرم شناخته می‌شود.

اعضای بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به‌عنوان خاص «کارکنان» شناخته نمی‌شوند و در واقع جزئی از کارکنان محسوب نمی‌شوند و این موضوع توسط دیوان عدالت اداری هم پذیرفته شده است و در یک رأی دیوان آمده است: «با توجه به اینکه صرف عضویت در بسیج و همکاری با آن نهاد مقدس موجب رابطه استخدامی با خوانده نبوده و در مانحن فیه با توجه به استعفای خواهان در سال ۷۱ رابطه خدمتی منقطع و در

زیرا اصولاً موارد مزبور به‌تنهایی قابل کشف نیستند (گلدوزیان، ۱۴۰۱: ۱۵۳). البته در مواردی قانون‌گذار به‌طور استثنایی، مبادرت به جرم‌انگاری برخی اعمال کرده که در مراحل قبلی انجام کامل جرم می‌باشند. برای ارتکاب جرم، بزه‌کار مراحل زیر را طی می‌کند: ابتدا مجرم قصد ارتکاب جرم می‌کند، سپس به تهیه مقدمات مبادرت می‌ورزد، بعد شروع به اجرای جرم می‌نماید و نهایتاً جرم را به اجرا می‌گذارد. عنصر مادی و ضروری جرم گاه رفتاری است که در وضعی خاص از انسان بروز می‌کند و گاه به‌ندرت حالتی است که بر او مستولی می‌گردد. رفتار انسان، ظهور خارجی اراده او است، یعنی نیرویی که درصدد تأثیر بخشیدن بر محیط و تغییر دادن آن است؛ ولی حالت، تجسم اندیشه و وضعی مداوم است که انسان در آن به سر می‌برد. حالت مجرمانه نمودی از گرایش منفی انسان در برابر خواسته قانون‌گذار است که باید آن را از رفتار از این حیث متمایز دانست که کنشی در اوضاع و احوال خاص نیست (اردبیلی، ۱۴۰۱: ۲۰۹).

رفتار در سه حالت قابل تصور است: نخست، فعل؛ جنبش و حرکتی از طرف فاعل مثل مجروح کردن خود با اسلحه؛ دوم، ترک فعل؛ امتناع از ایفای تکالیفی که موضوع حکم قانون‌گذار بوده است مثل خودداری نیروی مسلح از خوردن غذا در جهت بیمار شدن برای فرار از خدمت؛ و سوم فعل ناشی از ترک فعل؛ مواردی که جرم انجام‌شده یا اقدام به ارتکاب فعل غیرقانونی در شرایطی است که مرتکب خود قانوناً مکلف به حفظ ارزش‌هایی چون جان و مال و آزادی باشد.

### ۱-۱- مرتکب جرم خودزنی

در تحلیل عنصر مادی جرم خودزنی، اولین سؤالی که مطرح می‌شود این است که مرتکب این جرم چه اشخاصی می‌توانند باشد. ماده ۵۱ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مرتکب این جرم را «هر نظامی» معرفی کرده است، در نتیجه مرتکب این جرم فقط از بین نظامیان می‌تواند باشد. درخصوص اینکه چه اشخاصی به‌عنوانی نظامی محسوب می‌شوند، باید به ماده ۱ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مراجعه کنیم. آنچه

متعددی برای بهره‌گیری از خدمات اشخاص در نیروهای مسلح مورد استفاده قرار می‌گیرد و مهم این است که شخص در مدت موقت قرارداد خود به‌عنوان «عضوی از نیروهای مسلح» قلمداد شود.

در ارتباط با کارکنان نیروهای مسلح که در سازمان‌های دیگر خدمت می‌کنند، تردید بسیار جدی وجود دارد که آیا خودزنی آنها در اداره محل مأموریت مشمول عنوان خودزنی قرار می‌گیرد یا خیر؟ تبصره یک ماده ۵۱ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح ۱۳۸۲ مقرر می‌دارد که: «جرایم نظامی و انتظامی کارکنان مذکور که در سازمان‌های دیگر خدمت می‌کنند در دادگاه‌های نظامی رسیدگی می‌شود.» این تبصره ممکن است تداعی کننده این موضوع باشد که خودزنی این افراد جرم است، اما باید گفت که با تفسیر به نفع متهم فقط در مواردی خودزنی این افراد جرم است که این خودزنی منطبق بر یکی از اهداف مذکور در ماده ۵۱ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح ۱۳۸۲ باشد. در غیر این صورت خودزنی این افراد جرم محسوب نمی‌گردد (اسدالهی، ۱۳۹۰: ۳۷).

در نهایت باید به حکم مندرج در تبصره ۲ ماده ۵۱ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح ۱۳۸۲ اشاره کرد که مقرر می‌دارد: «رهایی از خدمت مانع رسیدگی به جرایم زمان اشتغال نمی‌شود.» بدین معنا که شخص در زمان بازنشستگی یا استعفاء یا هرگونه خاتمه دادن به رابطه کاری و در حالیکه دیگر نظامی محسوب نمی‌شود، ممکن است به اتهام خودزنی تحت تعقیب قرار گیرد (شمس و عطازاده، ۱۴۰۰: ۴۵). همچنین در بین کارکنان، تفاوتی بین کارکنان نظامی و کارکنان اداری و خدماتی و غیره وجود ندارد.

#### ۱-۲- نوع و میزان صدمه وارده به خود

ماده ۵۱ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح ۱۳۸۲ طیف وسیعی از اعمال را نام برده است که تشخیص میزان و نوع صدمه وارده به شخص فقط از تحلیل دقیق و جزئی این ماده قانونی ممکن است. در این ماده آمده است: «... به خود صدمه وارد آورده یا تهدید به خودزنی نماید یا به عدم توانایی

وضع موجود خوانده تکلیف و الزامی به احتساب سنوات حضور وی در بسیج نداشته فلذا دعوی غیر وارد و حکم به رد شکایت صادر و اعلام می‌دارد»<sup>۱</sup> لیکن به صراحت ماده ۵۱ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح ۱۳۸۲ مشمول عنوان نظامی هستند و اگر با حصول سایر شرایط مبادرت به خودزنی نمایند، مجرم محسوب می‌شوند. به عبارت دیگر نظامی بودن اعم از جزئی از کارکنان نظامی است و برخی از افراد مانند بسیجیان بدون اینکه جزئی از کارکنان باشند، نظامی محسوب می‌شوند. ماده ۶ قانون مقررات استخدامی سپاه مصوب ۱۳۷۰، پرسنل سپاه کسانی هستند که برابر شرایط و مقررات مندرج در این قانون و یا قانون خدمت وظیفه عمومی به خدمت پذیرفته می‌شوند و عبارتند از: کادر ثابت، وظیفه، پیمانی، بسیجی. با تعبیر این ماده، باید گفت که مفهوم پرسنل نیز اعم از کارکنان می‌باشد، زیرا به صراحت این ماده افراد بسیجی به‌عنوان پرسنل سپاه شناخته می‌شوند؛ لیکن لزوماً از کارکنان (ثابت، پیمانی و وظیفه) سپاه تلقی نمی‌شوند. در هر صورت با صراحت ماده ۵۱ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح ۱۳۸۲، تردیدی در این خصوص وجود ندارد که بسیجیان نیز می‌توانند مرتکب جرم خودزنی شوند. در واقع نیروهای بسیج در عین حال تحت امر سپاه پاسداران انقلاب اسلامی هستند، نیروی مردمی محسوب می‌شوند (پناهی، ۱۴۰۰: ۳۴).

گروه دیگری که در نظامی بودن یا نبودن آنها تردید وجود دارد، «محصلان نظامی» هستند. محصلان نظامی به افرادی گفته می‌شود که در یکی از مراکز آموزشی نظامی به تعلیم مشغول هستند (مؤمنی، ۱۳۹۸: ۱۰۶). حتی ممکن است بخشی از آموزش آنها، برون سپاری نیز شده باشد (علیمردانی، ۱۳۹۸: ۴۴).

درخصوص کسانی که به‌طور موقت در خدمت نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران هستند و طبق قوانین استخدامی نیروهای مسلح در مدت مزبور از اعضاء نیروهای مسلح محسوب می‌شوند، باید گفت که امروزه قراردادهای موقت

<sup>۱</sup> - شماره دادنامه قطعی: ۹۵۰۹۹۷۰۹۵۵۲۰۲۹۶۲ تاریخ دادنامه قطعی

به صورت شفاهی و با بیان کلماتی باشد. مانند این که یک سرباز به فرمانده خود بگوید که اگر به وی مرخصی ندهد، خودش را از پنجره به بیرون پرتاب خواهد کرد.

نکته مبهمی که وجود دارد این است که آیا تهدید به خودکشی، تهدید به خودزنی محسوب می‌شود یا خیر؟ درست است که در ظاهر ماده از عبارت «تهدید به خودزنی» استفاده کرده است، لیکن تهدید به خودکشی، نوعی تهدید خودزنی هم محسوب خواهد شد.

### ۱-۲-۳- متعذر شدن به عدم توانایی جسمی

زمانی که قانونگذار از عبارت «متعذر شدن به عدم توانایی جسمی» در کنار صدمه به خود و تهدید به خودزنی نام می‌برد، یعنی منظور دیگری دارد. متعذر شدن به عدم توانایی جسمی موضوعی متفاوت از خودزنی می‌باشد و بدین معنا است که شخص نظامی کاری را انجام دهند و یا ترک فعلی کند که نتیجه آن حدوث «عدم توانایی جسمی» است، بدون اینکه آسیب جسمی به خود وارد کرده باشد. هرچند قانون مبهم است، لیکن می‌توان برخی از مصادیق را برای «متعذر شدن به عدم توانایی جسمی» نام برد. به عنوان مثال یک نظامی که دست به اعتصاب غذا می‌زند و در نتیجه نحیف و ناتوان می‌شود، در واقع کاری کرده است که «متعذر شدن به عدم توانایی جسمی» حادث شده است. یا یک نظامی که که در تمرین‌ها و مانورها شرکت نمی‌کند تا توانایی جسمی وی کاهش یافته و در نهایت از وی در عملیات استفاده نشود، مشمول متعذر شدن به عدم توانایی جسمی خواهد شد و مجرم شناخته می‌شود.

### ۱-۲-۴- متعذر شدن به عدم توانایی روحی

متعذر شدن به عدم توانایی روحی در عمل بسیار اتفاق می‌افتد و مشکلات روحی و روانی در بین نیروهای نظامی و به خصوص سربازان امری رایج و معمول است. به طور طبیعی نظامیانی که دارای مشکلات روحی و روانی هستند، قادر به انجام تکالیف قانونی خود نخواهند بود، اما آنچه که در ماده ۵۱ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح ۱۳۸۲ جرم‌انگاری شده است، داشتن عدم توانایی روحی نمی‌باشد، بلکه متعذر

جسمی یا روحی متعذر شود و بنا به گواهی پزشک نظامی یا پزشکان قانونی تمارض او ثابت گردد و یا در انجام وظایف نظامی بی‌علاقگی خود را در موارد متعدد ظاهر کند به نحوی که در تضعیف سایر نیروهای نظامی مؤثر باشد...» با توجه به موارد ذکر شده در این ماده، باید قلمرو صدمه وارده را به شرح زیر مشخص نماییم.

### ۱-۲-۱- هرگونه صدمه بدنی

در این ماده اینگونه قید شده است که «به خود صدمه وارد آورد». کلیت کلمه صدمه در این ماده به نحوی است که هرگونه صدمه‌ای را از جزئی‌ترین تا شدیدترین صدمات شامل می‌شود. این صدمه می‌تواند از یک خراش جزئی تا مواردی از قبیل تیرزدن به اعضای بدن که در بین نیروهای نظامی مرسوم است یا بریدن رگ دست و غیره صورت پذیرد. مهم این است که فرد نظامی آگاهانه به بدن خود آسیب برساند؛ طوری که به خودکشی منجر نشود؛ اما آثار آن باقی بماند. رایج‌ترین نوع خودزنی زخمی کردن پوست با یک وسیله تیز است. انواع دیگر آن خراش انداختن، سوزاندن، شکستن استخوان، خوردن سم، فرودادن چیزی در حلق یا تراشیدن موی سر (کچل کردن) است. معمولاً خوردن سم یا موادی که به معده آسیب می‌رساند را جزء خودزنی به حساب نمی‌آورند، اما مشمول حکم کلی این ماده می‌باشد.

### ۱-۲-۲- تهدید به خودزنی

تهدید به خودزنی بدین معنا است که شخص نظامی، خودزنی را انجام نمی‌دهد و در مقابل دیگران تهدید به خودزنی می‌نماید، مانند اینکه سر اسلحه مسلح را به سمت خودش گرفته و برای خروج از پادگان تهدید به شلیک می‌نماید. تهدید به خودزنی از نظر مقنن همانند به خودزنی تلقی شده است و جرم منظور ماده ۵۱ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح ۱۳۸۲ محقق شده است، این بدان معنا است که جرم خودزنی یک جرم منتج به نتیجه نمی‌باشد. از طرف دیگر نشان دهنده این است که میزان صدمه که در مورد قبلی به آن اشاره شد، هیچ تأثیری ندارد، وقتی تهدید به خودزنی جرم تلقی می‌شود، خودزنی صورت گرفته به هر میزانی جرم خواهد بود. تهدید به خودزنی می‌تواند عملی باشد و یا حتی

شدن به عدم توانایی روحی است؛ (تدین، ۱۳۹۰: ۶۶) یعنی شخص کاری را انجام دهد که در نتیجه منجر به عدم توانایی روحی وی شود. در عمل اثبات این موضوع امری دشوار و حتی غیرممکن است و ذکر این عبارت مبهم که شیوه اثبات آن نیز سخت و حتی غیرممکن است، قابل انتقاد به نظر می‌رسد. شاید مصداقی را که بتوان برای آن بیان کرد، استفاده از داروهایی است که توانایی‌های روحی اشخاص از قبیل انگیزه و غیره را از کاهش می‌دهد. به عنوان مثال یک نظامی برای فرار از خدمت داروهایی را استفاده نماید که منجر به تعدر در توانایی روحی وی شود.

#### ۱-۲-۵- تمارض

از کارهای ناپسند که نظامیان از دست زدن به آن نهی شده‌اند، تظاهر به بیماری و عدم سلامت، یا «تمارض» است. فرار از خدمت به بهانه دروغین بیماری، در واقع شبیه بهانه‌ای واهی است که برخی عناصر سست ایمان در صدر اسلام با توسل به آن از حضور در جنگ خودداری می‌کردند. جنگ تبوک از این معرکه‌ها بود. یکی از چنین کسانی به بهانه اینکه مبادا با دیدن زنان سپید رومی، دامن صبر از کف بنهد و به فتنه افتد، اجازه مرخصی می‌طلبد، برخی دیگر نیز به بهانه گرمای تابستان از همراهی سپاه اسلام خودداری می‌کنند و خداوند در سوره توبه آیه ۸۱، به آنها پاسخ می‌دهد که: «بگو آتش سوزان دوزخ از این هم گرم‌تر و سوزانتر است...»؛ در ماجرای جنگ احزاب نیز گروهی به بهانه اینکه خانه‌هایشان دیوار و در و پیکر درستی ندارد، می‌خواستند از جنگ سر باز زنند. خداوند در سوره احزاب آیه ۱۳، در این باره می‌فرماید: «گروهی از آنان از پیامبر اجازه بازگشت می‌خواستند و می‌گفتند خانه‌های ما بدون حفاظ است؛ در حالی که بدون حفاظ نبود، آن‌ها فقط می‌خواستند فرار کنند» (فارسی، ۱۳۶۳: ۴۵۷).

حضرت امیر (ع) در نهج البلاغه در نامه‌ای به ابن عباس پس از شهادت محمد بن ابی بکر، یاران سست عنصر و پیمان شکن خود را به سه دسته تقسیم می‌کند. درباره یک دسته از ایشان می‌فرماید: «و منهم المعتل کاذباً»؛ یعنی برخی بهانه‌های دروغ آورند (و از رفتن به جنگ سر باز زنند). سپس درباره ایشان و دسته‌های دیگر می‌فرماید: از خدا می‌خواهم

که به زودی از ایشان رهاییم بخشد. به خدا سوگند اگر نه این بود که همه آرزویم شهادت در جنگ با دشمن است، و دل بر مرگ آماده نکرده بودم، خوش نداشتم که حتی یک روز هم در میان اینان بمانم، یا با ایشان روبه‌رو شوم. (دشتی، ۱۳۹۸: نامه ۶۲). آیات و روایاتی که دلالت بر ضرورت اجتناب از دروغ دارد، بر لزوم اجتناب از تمارض نیز دلالت می‌کند (اسدی، ۱۳۶۲: ۶۶). براساس همین مبانی در ماده ۵۱ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح ۱۳۸۲ «تمارض» هم ردیف با وارد کردن صدمه و خودزنی و تهدید به خودزنی آورده شده است. تمارض تولید عمدی علائم یا نشانه‌های جسمی یا روانی دروغین یا اغراق‌آمیز با انگیزه بیرونی نظیر نفع مادی یا شانه خالی کردن از مسؤولیت‌های قانونی است. (عباسی مقدم، ۱۳۹۱: ۳۱). موارد واقعی سوء استفاده، بار اقتصادی و نظامی زیادی را به نیروهای مسلح وارد می‌کند. در پزشکی قانونی نیز دو نوع تمارض وجود دارد. یک نوع تمارض ناشی از اختلال روانی و دومی تمارض هدفمند (گنجی، ۱۴۰۱: ۸۱۴) که مورد دوم در ماده ۵۱ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح ۱۳۸۲ مدنظر است.

#### ۱-۲-۶- بی‌علاقگی

تصور جرم‌انگاری «بی‌علاقگی» بسیار سخت است، زیرا احراز بی‌علاقگی مستلزم ورود به افکار و اندیشه‌های اشخاص است که مغایر با اصول حقوق جزا است. درست است که در نیروهای مسلح، اشخاص نظامی مکلفند به‌طور تمام و کمال و با تام وجود در اختیار نیروی مربوطه باشند، اما این امر بدان معنا نیست که هرگونه کاستی در این خصوص باید جرم‌انگاری شود. «بی‌علاقگی» هم از مصادیق مواردی است که حتی در صورت اثبات باید با ضمانت اجرای دیگری و از جمله ضمانت اجرای اداری و انتظامی به آن پاسخ داده شود، اما در هر صورت مقنن ایران در ماده ۵۱ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح ۱۳۸۲ بیان کرده است که: «در انجام وظایف نظامی بی‌علاقگی خود را در موارد متعدد ظاهر کند به‌نحوی که در تضعیف سایر نیروهای نظامی مؤثر باشد» و چنین رفتاری را هم‌عرض با خودزنی جرم‌انگاری کرده است. مقنن بعد از جرم‌انگاری «بی‌علاقگی» به ابعاد نادرست این نوع جرم‌انگاری توجه کرده است و تلاش کرده تا با مقید

عبارت از «واردکردن عمدی آسیب بدنی»<sup>۲</sup> توسط شخص نظامی به خودش است که به قصد فرار از خدمت یا انجام وظیفه صورت می‌پذیرد، درحالی‌که معنای لغوی «تمارض» دلالتی بر ورود آسیب عمدی ندارد. اما در هر صورت به موجب ماده ۸۳ این قانون هر دو رفتار «تمارض به قصد فرار از خدمت» و «خودزنی عمدی به قصد فرار از خدمت» تحت یک عنوان مجرمانه به نام «مالینجرینگ» آمده است. سایر مسائل مربوط به جرم را از قبیل مرتکب، اوضاع و احوالی که جرم در آن ارتکاب یافته است، نتایج جرم و غیره را باید در عنصر مادی جستجو کرد.

## ۲-۱- تمارض به قصد فرار از خدمت

### ۲-۱-۱- مرتکب

سؤال این است که مرتکب جرم «تمارض» چه اشخاصی می‌توانند باشند. صدر ماده ۸۳ برای تعیین مرتکب از این عبارت استفاده کرده است: «هر شخصی که تابع مقررات این فصل است.» منظور از این «فصل» در واقع فصل چهارم قانون است که به جرایم نظامیان<sup>۳</sup> پرداخته است. ماده ۷۷ قانون قانون متحدالشکل عدالت نظامی ۲۰۱۶ به‌طور مشخص در مقام تعیین مرتکبین جرایم مندرج در این فصل است و برای شناخت مرتکبین جرایم این فصل و از جمله مرتکب جرم تمارض باید به این ماده مراجعه کرد. ماده ۷۷ قانون متحدالشکل عدالت نظامی ۲۰۱۶ مقرر می‌دارد که: «اشخاصی به موجب قوانین این فصل قابل مجازات هستند که «خودشان مرتکب یکی از جرایم این فصل شوند»، «به ارتکاب جرم کمک کنند»، «یاری رسانند»، «راهنمایی کنند»، «دستور بدهند» یا انجام جرم را «ترغیب نمایند» یا سبب فعلی شوند که اگر خودشان مستقیم آن را انجام می‌دادند، توسط مقررات این فصل قابل مجازات می‌بود.

نکته بسیار مهم در مورد ماده ۷۷ قانون متحدالشکل عدالت نظامی ۲۰۱۶ این است که از نظر این قانون از حیث مرتکب محسوب شدن هیچ تفاوتی بین مباشر و مصادیق معاونت وجود ندارد. در نهایت در زمان تعیین مجازات، میزان مجازات

کردن آن، اثبات آن را دشوار نماید. در درجه اول شخص نظامی باید به طریقی بی‌علاقگی خود را «ظاهر» نماید. یعنی باید این بی‌علاقگی حتماً نمود خارجی داشته باشد. به‌عنوان مثال شخص نظامی در حضور دیگران از بی‌علاقگی یا نفرت خود از کار کردن در سیستم نظامی صحبت کند و همچنین باید این اظهار بی‌علاقگی در «موارد متعدد» باشد، هرچند مقنن میزان و معیار تشخیص موارد متعدد را تعیین نکرده است و قطعاً تشخیص آن با عرف خواهد بود، لیکن به‌طور حتم با چند بار اظهار بی‌علاقگی این جرم اتفاق نمی‌افتد و باید در حدی تکرار شود که شخص نظامی نسبت به انجام وظایف نظامی «بی‌علاقه» شناخته شود. شرط سومی که مقنن در این خصوص بیان کرده است، این است که اظهار بی‌علاقگی در موارد متعدد باید «به‌نحوی باشد که در تضعیف سایر نیروهای نظامی مؤثر باشد». بی‌علاقگی یک شخص در محیط نظامی و بدگویی از سیستم نظامی از جهات مختلف و بزرگنمایی مشکلات انجام وظیفه در نیروهای مسلح، به‌طور حتم بر دیگر نظامیان نیز تأثیرگذار است. در نهایت اظهار بی‌علاقگی اگر به‌نحوی ظاهر شود و در موارد متعدد باشد و به‌نحوی باشد که در تضعیف سایر نیروهای نظامی مؤثر باشد، هم ردیف با خودزنی از منظر مقنن تلقی شده است.

## ۲-۲ جرایم خودزنی نیروهای مسلح در آمریکا

در حقوق کیفری آمریکا، عنصر قانونی جرایم مرتبط با خودزنی نیروهای مسلح در قانون متحدالشکل عدالت نظامی ۲۰۱۶ آمده است. جرم تمارض در قسمت اول ماده ۸۳ این قانون جرم‌انگاری شده است. در ادبیات انگلیسی معنای «مالینجرینگ»<sup>۱</sup> این است که شخص خود را به بیماری بزند و به خصوص برای اینکه از یک کار یا وظیفه یا تکلیف فرار کند. اما زمانی که به محتوا و شروط ماده ۸۳ قانون عدالت نظامی مصوب ۲۰۱۶ مراجعه می‌کنیم، مشاهده می‌شود که در این ماده علاوه بر «تمارض» در معنا و مفهوم لغوی و رایج آن که برای همه شناخته شده است، رفتار دیگری نیز تحت همین عنوان جرم‌انگاری شده است و آن

<sup>۲</sup> - Intentionally Inflicts Self-Injury

<sup>۳</sup> - Part IV Punitive Articles

<sup>۱</sup> - Malingering

گرفته است. عنصر مهم در تحقق تمارض، دروغین بودن اظهارات شخص نظامی است.

تمارض<sup>۵</sup> یک تشخیص پزشکی است، اما یک اختلال روانپزشکی نیست. این عنوان نشان می‌دهد که شخص عمداً با رفتار یا اظهارات نادرست عمل کرده است روان‌پزشکان با تشخیص تمارض، درباره صداقت شخص قضاوت می‌کنند (Weiss & London, 2017: 45). شیوع و ویژگی‌های تمارض نظامی<sup>۶</sup> به این صورت است که تعداد بسیار کمی از تشخیص‌های پزشکی باعث اختلاف و بحث و جدل می‌شوند. تمارض یک نظامی نسبت به یک بیماری یا تمارض به یک صدمه، در رابطه بین شخص نظامی و پزشک مطرح می‌شود. اگر پزشک به شخص نظامی شک کند، رابطه تغییر ماهیت می‌دهد و از یک رابطه خیرخواهانه و دوستانه به یک رابطه خصمانه تبدیل می‌شود. از این نقطه به بعد پزشک در تلاش است تا بر اساس معیارهای پزشکی، تقلب نظامی را ثابت نماید (Lande, 2013: 178).

## ۲-۲- خودزنی عمدی با قصد فرار از خدمت

عنصر مادی این جرم در قسمت دوم ماده قانون متحدالشکل عدالت نظامی ۲۰۱۶ به این صورت بیان شده است: «به خود آسیب رساندن» در خصوص عنصر مادی این جرم نیز باید از چند جهت موضوع را بررسی کرد.

### ۲-۲-۱- مرتکب

مرتکب جرم مذکور در قسمت دوم، دقیقاً همان مرتکب جرم قسمت اول ماده با این تفاوت است که ارتکاب «خودزنی» از طریق سببیت نیز ممکن است و این شیوه ارتکاب جرمی بود که در قسمت دوم ماده ۷۷ قانون متحدالشکل عدالت نظامی ۲۰۱۶ به آن اشاره شده بود. به عنوان مثال یک نظامی به قصد قرار از خدمت و برای اینکه خود را مجروح سازد، به یک سگ که در پادگان است حمله کند و در نتیجه سگ وی را مجروح سازد، در اینجا درست است که آسیب توسط سگ وارد شده است، لیکن سبب این آسیب خود شخص نظامی

برای شخصی که به یکی از صور معاونت عمل کرده است، می‌تواند کمتر باشد، لیکن کمک کننده و راهنمایی کننده و سایر مصادیق، مرتکب جرم محسوب می‌شوند. درحالی‌که مباشر جرم تمارض فقط یک نظامی می‌تواند باشد که شرح اشخاص نظامی در ایالات متحده آمریکا در فصل دوم بیان شد، اما کمک کننده و یاری دهنده و راهنمایی کننده و ترغیب کننده ممکن است یک شخص غیرنظامی باشد و جالب اینجا است که این اشخاص تحت همان عنوان مجرمانه مورد محاکمه قرار می‌گیرند. در خصوص قسمت دوم ماده ۷۷ قانون متحدالشکل عدالت نظامی ۲۰۱۶ که صحبت از «سبب وقوع جرم شدن» می‌نماید، مربوط به مواردی است که شخص نظامی به طور مستقیم جرم را انجام نمی‌دهد و از یک واسطه بهره می‌برد که البته در مورد جرم تمارض، چنین موضوعی قابلیت تحقق ندارد.

## ۲-۱-۲- شیوه تمارض

قسمت اول ماده ۸۳ قانون متحدالشکل عدالت نظامی ۲۰۱۶ برای تمارض یک نظامی صور مختلفی را بیان کرده است. اولین حالتش این است که به یک بیماری تظاهر نماید؛<sup>۱</sup> دومین شیوه تمارض این است که به یک ناتوانی جسمی تظاهر نماید؛<sup>۲</sup> سومین حالت تمارض این است که به یک ناتوانی ذهنی تظاهر کند؛<sup>۳</sup> و در نهایت شکل چهارم تمارض این است که به یک اختلال روانی تظاهر نماید.<sup>۴</sup>

با این اوصاف دایره و قلمرو شیوه تمارض از منظر قانونی بسیار گسترده در نظر گرفته شده است. یک نظامی که به دروغ بگوید، سردرد دارم یا دل پیچه دارم یا توانایی راه رفتن ندارم یا سرگیجه دارم یا دچار فراموشی شده‌ام و یا حافظه خود را از دست داده‌ام و هزاران مصداق دیگر، همگی تحت عنوان تمارض قرار گرفته و با سایر شرایط جرم محقق می‌شود. همچنین اگر نوعی بیماری در نظامی وجود داشته باشد، اما در آن اغراق نماید، در این حالت نیز تمارض صورت

<sup>1</sup> - Feigns Illness

<sup>2</sup> - Feigns Physical Disablement

<sup>3</sup> - Feigns Mental Lapse

<sup>4</sup> - Feigns Mental Derangement

<sup>5</sup> - Malingering

<sup>6</sup> - Prevalence and Characteristics of Military Malingering

است و درست مثل آن است که خودش آسیب را به طور مستقیم وارد کرده است.

## ۲-۲-۲- نوع و میزان آسیب

نوع و میزان آسیب وارده برای تحقق جرم از هیچ اهمیتی برخوردار نیست و از یک خراش ساده تا جراحات عمیق و قطع عضو و غیره را شامل می‌شود. کلمه «آسیب»<sup>۱</sup> در این ماده به صورت کلی آمده است و هم آسیب‌های جسمی و هم آسیب‌های روحی و روانی را شامل می‌شود. اگر یک نظامی برای فرار از خدمت داروهای خواب‌آوری بخورد و در نتیجه به خواب فرو رود تا از خدمت فرار کند، مشمول این عنوان مجرمانه می‌گردد و یا اینکه برای افسرده شدن از یک ماده مخدر استفاده نماید.

## ۲-۳- خودزنی عمدی بدون قصد فرار از خدمت یا وظیفه

عنصر مادی جرم «خودزنی عمدی بدون قصد فرار از خدمت یا وظیفه» که در ماده ۱۳۴ به آن اشاره شده است، «صدمه به خود»<sup>۲</sup> قید شده است. در ایالات متحده آمریکا و برای اجرای قانون متحدالشکل نظامی مصوب سال ۲۰۱۶ یک کتابچه راهنما توسط دادگاه نظامی منتشر می‌شود. در آخرین نسخه منتشر شده از این کتابچه راهنما که در سال ۲۰۱۹ صورت گرفته است<sup>۳</sup> و جهت راهنمایی و کمک به دادگاه‌های نظامی در جهت احراز مصادیق قابل انطباق بر حکم کلی مندرج در ماده ۱۳۴ قانون متحدالشکل، یک فهرست طولانی از رفتارهای نظامیان را مشمول ماده ۱۳۴ دانسته است و جالب این است که در کتابچه راهنمای دادگاه‌های نظامی «خودزنی بدون قصد فرار از خدمت» را به عنوان نمونه‌ای از رفتاری که طبق این قانون مجازات می‌شود و مشمول ماده ۱۳۴ است، فهرست می‌کند. این بدان معنا است که در کنار ماده ۸۳ که به جرم‌انگاری «خودزنی به قصد فرار از خدمت» اشاره دارد، بر اساس آنچه که در «کتابچه راهنمای دادگاه‌های نظامی سال ۲۰۱۹» آمده است، «خودزنی صرف و

بدون قصد فرار از خدمت» هم در حقوق جزای نظامی ایالات متحده آمریکا جرم است. دادگاه‌های نظامی تا به امروز به تفسیر این قوانین کیفری به طور گسترده ادامه داده‌اند. عنصر مادی جرم «خودزنی بدون قصد فرار از خدمت» همان عنصر مادی خودزنی به قصد فرار از خدمت ماده ۸۳ قانون متحدالشکل عدالت نظامی ۲۰۱۶ است که شرایط عنصر مادی در آن بیان شد.

## نتیجه‌گیری

جرم‌انگاری خودزنی نیروهای مسلح در ایران و آمریکا نشان از اهمیت مقابله با خودزنی در نیروهای مسلح دارد. یک نظامی که مبادرت به خودزنی می‌نماید، هم نیروی مربوطه را از یک نظامی برای مدتی محروم می‌کند و هم با تأثیرگذاری منفی بر روحیه سایر نظامیان، قدرت واحد مربوطه را کم کرده و در صورت انتشار خبر خودزنی، اعتبار و حیثیت نیروی نظامی مربوطه را خدشه‌دار می‌کند و اگر این رفتار در مقابل دشمن باشد، موجب افزایش روحیه دشمن می‌گردد. جرم‌انگاری خودزنی در ایران و آمریکا به موجب قوانین خاص نظامی در دو کشور صورت گرفته است و در هر دو کشور رسیدگی به آن در صلاحیت دادگاه خاص نظامی است. تفاوت اصلی جرم خودزنی در نیروهای مسلح در این است که در ایران خودزنی با اهداف و انگیزه‌های غیر مرتبط با نیروهای مسلح، جرم تلقی نشده است؛ در حالی که در آمریکا خودزنی با هر انگیزه‌ای توسط نیروهای مسلح جرم است و از این جهت قلمرو جرم‌انگاری خودزنی نیروهای مسلح در آمریکا، گسترده‌تر از ایران است. بیشترین شباهت بین دو نظام حقوقی در جرم‌انگاری خودزنی در عنصر مادی جرایم خودزنی مشاهده می‌شود. در هر دو نظام حقوقی هر درجه از تمارض و هر درجه از خودزنی و همچنین هر مدل از تمارض و هر مدل از خودزنی که با هر وسیله و یا هر شیوه‌ای باشد، برای تحقق جرم کافی دانسته شده است. تنها تفاوت در این است که عناصر مادی «متعذر شدن به ناتوانی جسمی و روحی» و «اظهار بی‌علاقگی مکرر» که در ایران مطرح می‌شود؛ در آمریکا منتفی است و وجود ندارد.

<sup>1</sup> - Injury

<sup>2</sup> - Self-injury

<sup>3</sup> - Joint Service Committee On Military Justice, (2019), The Manual for Courts-Martial (MCM), United States, Joint Service Committee on Military Justice website at <http://jsc.defense.gov>.

- گلدوزیان، ایرج (۱۴۰۱). *بایسته‌های حقوق جزای عمومی ایران*. چاپ بیست و پنجم، تهران: انتشارات میزان.

- گنجی، مهدی (۱۴۰۱). *راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی DSM-5-TR* متن تجدیدنظرشده. ترجمه مهدی گنجی، تهران: ساوالان.

- مؤمنی، محمدرضا (۱۳۹۸). *برنامه‌ریزی راهبردی تربیت و آموزش با تأکید بر سازمان‌های نظامی*. تهران: دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی، مرکز انتشارات راهبردی.

- اسداللهی، حسین (۱۳۹۰). «تجزیه و تحلیل جرم نظامی و تفاوت آن با جرم عمومی». *فصلنامه مطالعات انتظامی شرق*، ۱: ۶۳-۷۸.

- بهرامی، میثم (۱۴۰۰). «علل و فاکتورهای زمینه ساز مهم در راستای خودزنی سربازان نیروهای مسلح». *تحقیقات حقوق قضایی*، ۱(۳): ۴۶۹-۴۸۶.

- پناهی‌پور، میلاد (۱۳۹۰). «خودکشی». *ماهنامه ویژه بازرسی نزا*. ۱۴: ۱۰۲۸-۱۰۴۷.

- شمس، محسن و عطازاده، سعید (۱۴۰۰). «خودزنی و خودکشی در حقوق کیفری و نیروهای مسلح ایران». *علوم انسانی و اسلامی در هزاره سوم*، ۲(۲): ۲۳۲-۲۴۲.

- نوری، رضا و همکاران (۱۳۸۴). «عوامل زمینه‌ساز خودکشی در سربازان یک نیروی نظامی». *مجله طب نظامی*، ۱۴(۲): ۹۹-۱۰۳.

#### ب. منابع انگلیسی

- Bovin, J; MarxP; Weathers, W; Gallagher, W; Rodriguez, P; Schnurr, P & Keane, M (2016). "Psychometric properties of the PTSD checklist for diagnostic and statistical manual of mental

**ملاحظات اخلاقی:** در پژوهش انجام شده، حفظ اصالت متون و امانت‌داری در نقل گفتار، به عنوان مهم‌ترین بایسته‌های اخلاقی، مورد نظر نویسندگان بوده است.

**تعارض منافع:** تدوین این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

**سهم نویسندگان:** در این پژوهش، نفر اول به عنوان نویسنده اصلی و نفر دوم نیز به عنوان همکار عمل کرده‌اند.

**تشکر و قدردانی:** از تمام کسانی که در تهیه این مقاله ما را یاری رسانده‌اند سپاس‌مندیم.

**تأمین اعتبار پژوهش:** این پژوهش بدون تأمین یا تخصیص اعتبار مالی انجام گرفته است.

#### منابع و مأخذ

##### الف. منابع فارسی

- اردبیلی، محمدعلی (۱۴۰۱). *حقوق جزای عمومی*. چاپ شصت و هشتم تهران: میزان.

- اسدی، علی محمد (۱۳۶۲). *احکام جبهه*. چاپ چهارم، تهران: عقیدتی سیاسی سپاه.

- باری، مجتبی (۱۳۹۸). *حقوق جزای نظامی*. تهران: انتشارات دادستان.

- عباس، تدین (۱۳۹۰). *نگاهی به جرایم و مجازات‌های نیروهای مسلح ایران و فرانسه*. تهران: خرسندی،

- علیمردانی، اکرم (۱۳۹۸). *برون‌سپاری آموزش در دانشگاه‌های نظامی و انتظامی*. تهران: دانشگاه علوم انتظامی امین.

- فارسی، جلال الدین (۱۳۶۳). *پیامبری و حکومت*. چاپ دوم، تهران: انجام کتاب.

“Nonsuicidal self-injury in older versus middle-aged/younger veterans seeking treatment for posttraumatic stress”. *Innovation in Aging*, 2(1): 972-972.

- Klonsky, D (2007). “The functions of deliberate self-injury: A review of the evidence”. *Clinical psychology review*, 27(2): 226-239.

- Lande, G (2013). “Prevalence and Characteristics of Military Malinger”. *Military Medicine*, 178(1): 178.

- Nock MK (2009). “Why do People Hurt Themselves? New Insights Into the Nature and Functions of Self-Injury”. *Curr Dir Psychol Sci*, 18(2): 78-83.

- Shaffer, D & Jacobson, C (2009). “Proposal to the DSM-V Childhood Disorder and Mood Disorder Work Groups to Include Non-Suicidal Self-Injury (NSSI) as a DSM-V Disorder”. *American Psychiatric Association*: 1-21.

- Weiss, J & Landon, V (2017). “Liability for Diagnosing Malingering”. *J Am Acad Psychiatry Law*, 45:339 -347.

disorders-fifth edition (PCL-5) in veterans”. *Psychological Assessment*, 28(11): 1379-1391.

- Bryan, C & Bryan, . (2014). “Nonsuicidal self-injury among a sample of United States military personnel and veterans enrolled in college classes”. *Journal of Clinical Psychology*, 70(9): 874-885.

- Cunningham, C; Aunon, M; Patel, A; Mann, J; DeBeer, B; Meyer, C; Morissette, B; Silvia, J; Gratz, L; Calhoun, S; Beckham, C & Kimbrel, A (2021). “Nonsuicidal self-injury disorder, borderline personality disorder, and lifetime history of suicide attempts among male and female veterans with mental health disorders”. *Journal of Affective Disorders*, 287: 276-281.

- Doksat, G; Zahmacioglu, O; Demirci, C; Kocaman, M & Erdogan, A (2017). “Association of suicide attempts and non-suicidal self-injury behaviors with substance use and family characteristics among children and adolescents seeking treatment for substance use disorder”. *Substance use & Misuse*, 52(5): 604-613.

- Gregg, J; Deming, C; Libman, C; Clancy, C; Calhoun, P; Beckham, J, & Kimbrel, N (2018).